

ردّ پای رئالیسم در "به کی سلام کنم؟"

دکتر نجمه نظری^۱، مهناز محمدلو^۲

چکیده

در آثار اولین نسل از داستان‌نویسان ایرانی از جمله سیمین دانشور، بسیاری از ویژگی‌های مکتب رئالیسم را می‌توان دید. مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" از موفق‌ترین آثار این نویسنده به شمار می‌رود. در مقاله حاضر، بازتاب انواع رئالیسم از جمله انتقادی، نمادین و اجتماعی در دو حوزه فرم و محتوا در این مجموعه داستان بررسی شده است. ویژگی‌های محتوایی در دو بخش مسائل سیاسی - اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران به‌ویژه در دهه پنجاه و بازتاب زندگی شخصی نویسنده مورد بررسی قرار گرفته است. در حوزه فرم نیز عناصری چون شخصیت‌پردازی، زبان و صحنه‌پردازی بررسی شده است. پرداختن به فقر، خشونت، اختلاف طبقاتی، تورم و گرانی، باورهای عامیانه و خرافاتی از ویژگی‌های مکتب رئالیسم است که در مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" مورد توجه قرار گرفته است. هم‌چنین کاربرد لحن و زبان عامیانه و متناسب با طبقه اجتماعی شخصیت‌ها و صحنه‌پردازی‌های دقیق و واقع‌گرا و ارتباط آن‌ها با مکتب رئالیسم در این مجموعه داستان قابل توجه است. روش تحقیق در مقاله حاضر، توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: رئالیسم، ادبیات داستانی، سیمین دانشور، به کی سلام کنم؟

1. najmenazari@gmail.com

2. mahnaz.mohamadloo@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۶

۱. استادیار دانشگاه بوعلی سینای همدان.

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

تاریخ وصول: ۹۴/۰۴/۱۴

مقدمه

سیمین دانشور نخستین زن ایرانی است که پس از انقلاب مشروطیت در بین داستان‌نویسان نسل اول، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داد و در ادبیات مدرن فارسی، اعتبار بسیار یافت. از دانشور چهار مجموعه داستان منتشر شده است: آتش خاموش (۱۳۲۷)، شهری چون بهشت (۱۳۴۰)، به کی سلام کنم؟ (۱۳۵۹) و از پرنده‌های مهاجر بیرس (۱۳۷۶). سه رمان نیز در کارنامه ادبی دانشور دیده می‌شود: سووشون (۱۳۴۸)، جزیره سرگردانی (۱۳۷۲) و ساربان سرگردان (۱۳۸۰). "سووشون" معروف‌ترین اثر دانشور به‌عنوان یکی از چند رمان مطرح با درون‌مایه سیاسی - تاریخی معاصر در ادبیات معاصر ایران شناخته شده و «به اعتقاد برخی محققین، اولین اثر کامل در نوع رمان فارسی به شمار می‌رود» (سپانلو، ۱۳۸۱: ۱۷۹).

دانشور در غالب آثارش کوشیده گوشه‌هایی از اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را در دوره‌ای خاص به تصویر بکشد و با چشمی باز بسیاری از مسائل روز را بازگو کند؛ با این حال تلاش او بر آن بوده که در این پرده‌برداری، از ورود مستقیم به مسائل سیاسی و اظهار نظرهای آشکار بپرهیزد تا از یک سو دچار تعصب و جزم‌اندیشی‌های معمول نشود و از سوی دیگر از نوسان شدید در امان بماند. از زبان او می‌خوانیم: «من با نوسان موافق نیستم و هرگز سیاسی نبودم. هدف سیاست رسیدن به قدرت است و آدم خاص و جاه‌طلبی می‌خواهد و من آدمی هستم به‌کلی غیر سیاسی» (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

به دلیل جایگاه دانشور در ادبیات معاصر ایران، آثاری که به نقد و بررسی ادبیات داستانی پرداخته‌اند، معمولاً بخشی را نیز به آثار این بانوی نویسنده، اختصاص داده‌اند که از آن جمله می‌توان به "داستان کوتاه در ایران" (جلد سوم) از حسین پاینده "نویسندگان پیشرو ایران" از محمدعلی سپانلو و "صد سال داستان‌نویسی ایران" از حسن میرعبدینی اشاره کرد. تحقیقات معدودی نیز در نقد و بررسی آثار دانشور به‌صورت مستقل نوشته شده است که از آن جمله می‌توان به "جدال نقش با نقاش" از هوشنگ گلشیری و "در ساحل جزیره سرگردانی"، گردآوری از علی دهباشی اشاره کرد. از جمله مقالاتی که به این موضوع پرداخته‌اند نیز می‌توان به مقاله "بررسی تطبیقی رئالیسم در رمان سیمین دانشور و فؤاد التکرلی با تکیه بر رمان سووشون و المسرات و الاوجاع" تألیف دکتر محمدحسین محمدی و عباس یوسف اشاره کرد که به‌صورت اجمالی رئالیسم را در محتوای "سووشون" و رمان "المسرات و الاوجاع" بررسی کرده است. با این همه تا کنون اثر

مستقلی درباره بازتاب رئالیسم، انواع و مؤلفه‌های آن در مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" نوشته نشده است.

پیش از پرداختن به موضوع اصلی پژوهش، توضیحی مختصر درباره رئالیسم ارائه خواهد شد.

الف) مفاهیم بنیادین تحقیق

الف. ۱) رئالیسم

رئالیسم یا واقع‌گرایی یکی از مکاتب مهم و برجسته ادبی و هنری در سراسر جهان است که اگر چه به صورت خاص در قرن نوزدهم در اعتراض به مکتب رمانتیسم در اروپا به وجود آمد اما امروزه جایگاه خود را به عنوان سبکی رایج در سراسر جهان حفظ کرده است. رئالیسم از ریشه Real به معنی واقعی، حقیقی و اصل، و در لغت به معنی واقع‌گرایی و واقع‌بینی است (باطنی، ۱۳۸۰: ۶۹۷) «هری لوین برساخته آن را هم به صورت شزیسم یا "چیزگرایی" [شیئیت] (chosisme, Thing-ism) به کار می‌برد و این اشتقاق از نیاز به حقایق بدیهی دنیای خارج نشأت می‌گیرد.» (گرانت، ۱۳۸۷: ۵۶) هیچ یک از تعاریف ارائه شده برای رئالیسم به تنهایی جامع و مانع نیستند، چرا که این واژه «در زمره اصطلاحاتی است که هم در هنر و ادبیات به کار می‌رود و هم در فلسفه. از جمله به سبب همین کاربردهای متعدد، این واژه دارای معنایی واحد یا مورد توافق همگان نیست» (پاینده، ۱۳۸۹: ۱۷) به عنوان نمونه «مویاسان رئالیسم را کشف و ارائه آن چه انسان معاصر واقعاً هست، می‌داند» (سیدحسینی، ۱۳۸۹: ج ۱: ۲۷۸) و ادمون دورانتی می‌گوید رئالیسم «بیان صریح و کامل فردیت‌هاست» (گرانت، ۱۳۸۷: ۳۴) بنا بر تعاریف ارائه شده می‌توان به این نتیجه رسید که رئالیسم واژه‌ای انعطاف‌پذیر است، زیرا همواره بر سر این‌که واقعیت چیست و چگونه می‌توان آن را شناخت، اختلاف نظر بوده است.

رئالیسم به عنوان یک مکتب در اواسط قرن نوزدهم (۱۸۵۰-۱۸۱۵ م.) به دنبال کم‌رنگ شدن تمایلات رمانتیک‌ها و کناره‌گیری آنان از رمانتیسم احساسی که جنبه‌ی درونی داشت و روی آوردن به رمانتیسم اجتماعی، شکل گرفت. از ویژگی‌های مشترک بین رئالیسم و رمانتیسم، عدم توجه به سرمایه‌داری است. واقع‌گرایان، تحلیل اجتماعی را بر آن افزودند و تضادها را آشکار کردند و واقع‌گرایی با نوآوری‌های خود توانست بر یک جنبه‌بودن نگرش رمانتیسم به زندگی فائق آید (ماکس، ۱۳۵۷: ۱۰۰) از این رو رئالیسم توانست بسیاری از

ویژگی‌های روابط نوین اجتماعی را ترسیم کند و تأثیر بیشتری بر مخاطبان بگذارد.

الف. ۲) رئالیسم در ادبیات داستانی

رئالیسم ادبی برگرفته از رئالیسم فلسفی است که بنیان‌گذار آن را باید ارسطو دانست، چرا که ارسطو هنر شاعری (poetic) را محاکات (mimesis) از طبیعت می‌داند (خاتمی و تقوی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). رئالیسم پس از رواج در حوزه نقاشی و فلسفه، وارد عرصه ادبیات داستانی شد و به منزله جنبشی ادبی از اوایل قرن نوزدهم تا آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴م. شکل غالب نگارش داستان بود (پاینده، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۶) از نویسندگان برجسته این مکتب می‌توان به گوستاو فلوربر، بالزاک، تولستوی، چارلز دیکنز و چخوف اشاره کرد. در منابع متعدد برای رئالیسم انواع مختلفی ذکر کرده‌اند: رئالیسم نخستین، بورژوا، انتقادی، سوسیالیستی، جادویی، روان‌شناختی و سمبلیک.

رئالیسم به‌عنوان یک مکتب ادبی در عرصه داستان‌نویسی حدوداً دو قرن بعد از اروپا در ایران پا به عرصه ظهور گذاشت و در میان نویسندگان و خوانندگان ادبیات داستانی، طرفداران خاص خود را پیدا کرد، چنان‌که می‌بینیم در دهه بیست، رئالیسم بیش از سایر نحله‌ها و مکاتب فکری در ادبیات داستانی ایران، خودنمایی می‌کند. رئالیسم این دوره بیشتر متمایل به رئالیسم سوسیالیستی است. نویسندگان بیشتر به شعارهای جناح چپ گرایش دارند (تقوی، ۱۳۸۹: ۱۹) برخی بر آن‌اند که رئالیسم در داستان کوتاه ایران با «یکی بود یکی نبود» جمال‌زاده آغاز شد (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ج ۲: ۲۸۱) با این حال صرف نظر از کوشش‌های جمال‌زاده و برخی دیگر از نویسندگان، برخی هدایت را بارآورنده مکتب رئالیسم در قصه‌نویسی ایران دانسته‌اند، اگر چه رئالیسم هدایت با گرایش‌های رمانتیک تعدیل می‌شود (سپانلو، ۱۳۸۱: ۹۹-۱۹) پس از هدایت، نویسندگان دیگری چون علوی و چوبک نیز در این زمینه طبع‌آزمایی کردند. نفوذ این نویسندگان به اندازه‌ای بود که مکتب رئالیسم در داستان‌نویسی ایران، غلبه همیشگی یافت. به این ترتیب، این مکتب تا اواخر دهه پنجاه «یکی از مهم‌ترین سبک‌های نگارش داستان کوتاه در ایران بوده است و بسیاری از شاخص‌ترین نویسندگان ایران به این سبک، داستان نوشته‌اند» (پاینده، ۱۳۸۹: ج ۱: ۱۰۷) از دیگر داستان‌نویسان رئالیست در ایران می‌توان به جلال آل‌احمد، سیمین دانشور، احمد محمود و علی‌اشرف درویشیان اشاره کرد.

ب) بازتاب رئالیسم در "به کی سلام کنم؟"

سومین مجموعه داستان کوتاه دانشور تحت عنوان "به کی سلام کنم؟" در سال ۱۳۵۹ هـ ش منتشر شد. سبک و زبان پخته دانشور در این اثر موجب شد او به عنوان یک نویسنده موفق در عرصه داستان کوتاه معرفی شود. دانشور در اکثر آثارش سعی دارد با زبانی پخته و روان و شفاف و بی هیچ گونه ابهام، گوشه‌هایی از اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران را در دوره‌هایی خاص با دیدی واقع‌گرا به تصویر بکشد. "به کی سلام کنم؟" نیز در حقیقت اعتراضی است به ناامنی و خفقان سیاسی در دهه پنجاه و انتقادی به روند مدرنیته شدن و غرب‌زدگی حاکم بر این دهه. از سوی دیگر «این مجموعه گرد مسائل فردی و خانوادگی می‌گردد و به نیازها و کمبودها و نگرانی‌های روحی و فردی نیز توجه دارد» (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). این مجموعه شامل ده داستان است.

داستان "تبله شکسته" دربارهٔ پسر بچه‌ای به نام خورنگ است که پدر و مادر خود را در زلزله از دست داده است. گروهی باستان‌شناس خارجی برای یافتن آثار باستانی به روستای خورنگ می‌آیند. در میان این گروه، زنی است که می‌خواهد خورنگ را به فرزندی قبول کند اما، علی‌رغم رضایت همه، خورنگ در نهایت این پیشنهاد را نمی‌پذیرد.

داستان "تصادف" دربارهٔ کارمندی است که همسرش به دلیل چشم و هم‌چشمی او را وادار به خریدن اتومبیل می‌کند. مرد با گرفتن وام و پذیرفتن مأموریت‌های متعدد، اتومبیل را می‌خرد اما زن طی تصادفی با سرهنگی آشنا می‌شود و پس از مدتی از همسرش جدا شده و با سرهنگ ازدواج می‌کند.

داستان "به کی سلام کنم؟" دربارهٔ دغدغه‌های پیرزنی تنها، بیمار و تنگ‌دست است که از دیدن تنها دخترش که همسر لایبالی و زندگی سختی دارد، محروم است.

داستان "چشم خفته" در دو بخش و در قالب گفت‌وگوی دو شخصیت زن داستان با شخص سومی روایت می‌شود. هر یک از این دو زن که فرزند خود را برای کار به آمریکا فرستاده‌اند، می‌کوشند برتری جایگاه اجتماعی خود را بر دیگری ثابت کنند.

داستان "مار و مرد" دربارهٔ زن و مرد جوانی است که صاحب فرزند نمی‌شوند. زن با عمل به توصیه زنی کولی، باردار می‌شود اما هنگام وضع حمل، ماری را به دنیا می‌آورد و متوجه می‌شود زن کولی به او تخم مار داده است. مار زندگی این زوج را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و حوادثی را رقم می‌زند.

داستان "انیس" دربارهٔ زنی جوان به نام انیس است که دو بار طلاق گرفته و همسر سومش نیز به دلیل فعالیت‌های سیاسی، دست‌گیر و ناپدید شده است. در نهایت، انیس با مردی که صاحب چهار فرزند است، ازدواج می‌کند.

داستان "درد، همه جا هست" دربارهٔ پسریچه‌ای است که برادرش در اثر بیماری از دنیا رفته است و نزدیکان می‌کوشند به شیوه‌های مختلف او را تسلی دهند. راوی داستان "یک سر و بالین" زنی است که با فقر و مشکلات همسرش می‌سازد اما همسرش به او خیانت می‌کند و پس از ازدواج با دختر صاحب‌خانه، فرزند راوی را نیز از او می‌گیرد.

داستان "کیدالخائین" دربارهٔ سیر تحول سرهنگ بازنشسته‌ای است که قدرت خود را از دست داده و می‌خواهد در خانه و محله، اعمال قدرت کند. داستان "سوترا" ماجرای زندگی ناخدا عبدل است. لنج او هنگام بردن مسافر به دویی با صخره برخورد می‌کند و تکه‌تکه می‌شود. ناخدا پس از نجات، تحول پیدا می‌کند. از آنجایی که "به کی سلام کنم؟" بسیاری از جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی جامعهٔ ایرانی را در دههٔ پنجاه در برمی‌گیرد، بررسی آن از لحاظ رئالیستی ضرورت دارد. در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های رئالیسم در این مجموعه داستان در دو حوزه محتوا و فرم بررسی می‌شود.

ب. ۱) محتوا

توجه به مسائل جامعهٔ معاصر به قصد انتقاد و اصلاح، از مهم‌ترین ویژگی‌های انواع رئالیسم است که در قالب پرداختن به مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نمود می‌یابد. از سوی دیگر در اثر رئالیستی، بازتاب زندگی شخصی نویسنده و تجربیات او را نیز می‌توان دید که در ادامه بدان پرداخته می‌شود. برداشت نویسندگان از مکتب رئالیسم و تعریف آن، این بوده که بازتاب زندگی شخصی در آثار نویسنده نیز، جزو ویژگی‌های این مکتب به شمار می‌رود.

ب. ۱. ۱) مسائل سیاسی - اجتماعی

پرداختن به مسائل سیاسی عصر در مکتب رئالیسم جایگاه خاصی دارد. این ویژگی در مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" گاه به صورت مستقیم و گاه به صورت غیرمستقیم و نمادین دیده می‌شود، چرا که با توجه به شرایط و خفقان حاکم، نمادگرایی شیوه‌ای مناسب برای پرداختن به مسائل سیاسی است. هم‌چنان که پیش‌تر گفته شد، اگر چه دانشور خود را یک فرد سیاسی نمی‌داند، اما توجه عمیق این نویسنده را به مسائل سیاسی در سه رمان و در برخی داستان‌های کوتاه او می‌توان دید؛ چرا که «سیاسی بودن همواره به معنی

تحت الشعاع سیاست روز قرار گرفتن نیست، بلکه دفاع از حقوق بنیادی ملت و حضور مثبت و مؤثر در سرنوشت مردم به هر طریق ممکن است» (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۲۱۰-۲۰۸).

در مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" دانشور مستقیماً به برخی مسائل سیاسی اشاره می‌کند؛ از جمله در داستان "تصادف" با نگاهی انتقادی از حضور برژنف - سیاست‌مدار و رهبر شوروی که چندی دبیر اول حزب کمونیست در ایران بود - سخن می‌گوید (دانشور، ۱۳۸۰: ۶۰) در داستان "به کی سلام کنم؟" نیز مسئله بی‌کفایتی عین‌الدوله، استبدادپروری مردم و اعتراض میرزا رضای کرمانی به ناکارآمدی و ضعف مجلس مورد توجه قرار می‌گیرد:

«میرزا رضای کرمانی را آوردند تو مجلس، گوش تا گوش اعیان و ارکان و اشراف نشسته بودند هی می‌گفتند: میرزا رضا سلام کن. می‌پرسید: به کی سلام کنم؟... خانم مدیر می‌گفت مادر بزرگش رفته پیش عین‌الدوله لچکش را از سرش درآورده، کرده سر عین‌الدوله و زیر گلوی عین‌الدوله گره زده» (همان: ۷۱).

مسئله ممنوعیت داشتن کتاب‌های دکتر شریعتی و آیت‌الله طالقانی و زندانی بودن آن‌ها که به دنبال ترس روزافزون از محبوبیت شریعتی در سال ۱۳۵۱ پس از بستن حسینیه ارشاد و دستگیری او توسط ساواک، صورت گرفت (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۷۳) موضوع دیگری است که در داستان "کیدالخائنین" به آن اشاره می‌شود. هم‌چنین بازتاب اعتصاب دانشگاهیان را که در اواخر سال ۱۳۵۶ در اعتراض به خونریزی ۲۸ آبان صورت گرفت (همان: ۶۲۳) در دو داستان "انیس" و "چشم خفته" می‌توان دید.

اوضاع ناامن سیاسی - اجتماعی و نبودن آزادی اندیشه و بیان، که شاه در سال ۱۳۵۳ در مصاحبه با روزنامه‌نگاران خارجی بر آن صحنه گذاشت (همان: ۵۴۲) موجب شده دانشور گاه در قالب رئالیسم سمبلیک به برخی مسائل سیاسی - اجتماعی اشاره کند؛ به‌عنوان نمونه نابه‌سامانی و پریشانی زندگی فردی و اجتماعی در داستان "سوترا" با شب و دریای موج و در "به کی سلام کنم؟" با برف سنگینی که آوار شده، به تصویر کشیده می‌شود.

استبداد و خفقان حاکم در داستان "درد همه جا هست" با دیو، میر غضب، قلعه و میله‌های آهنی و در "کیدالخائنین" با برف و سرمای شدید بیان می‌گردد. استبداد و سلطه نظامیان در دهه پنجاه، در رفتار جناب سروان در داستان "تصادف" و جناب سرهنگ در "کیدالخائنین" دیده می‌شود. داستان مزبور رویارویی نظامیان را با روحانیت نشان می‌دهد، از این رو می‌تواند گزارشی واقع‌گرایانه باشد از ناسازگاری نظامیان با انقلابیون در آغاز

نهضت شاه‌ستیزی که سرانجام به همراهی نظامیان با انقلابیون منجر شد (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۸۱). در این داستان بازنشستگی سرهنگ و از دست دادن چکمه به‌عنوان نماد قدرت نظامی، نشان‌دهنده فروپاشی اقتدار بروکراتیک اوست، اگر چه هنوز جلوه‌هایی از این اقتدار در رفتار او دیده می‌شود. سرهنگ هنگامی که نفوذ معنوی روحانیت را در میان مردم مشاهده می‌کند، می‌کوشد این خلأ قدرت را از طریق همراهی با روحانیت به دست آورد. سرهنگ به نوازش یک تفنگ ساچمه‌ای و دستکش هدیه می‌دهد و با خریدن چتر برایش، به‌صورت نمادین او را تحت حمایت و سلطه خود درمی‌آورد. این طرز رفتار سرهنگ بیان‌گر علاقه او به انتقال حس قدرت‌طلبی، اشرافیت و خشونت به نسل آینده است. این داستان به صورت غیرمستقیم اشاره به حکومت پهلوی اول و دوم دارد. رضاخان شخصی نظامی بود که برخی اقداماتش مانند کشف حجاب، حکومت او را در تقابل با نهاد قدرت سنتی یعنی روحانیت قرار داد. تضاد بین مذهب با حکومت نظامی و مستبد رضاخان در نهایت به دلیل نفوذ مذهب بین مردم، موجب فشار مردم بر حکومت شد. سرهنگ داستان "کیدالخانین" در نیمه اول داستان، یادآور شخصیت رضاخان در برخورد با مذاهب است؛ در نیمه دوم، سرهنگ بازنشسته نمادی از ضعف پهلوی دوم است و طرز رفتار او یادآور عقب‌نشینی این حکومت در برابر روحانیت به دلیل نفوذ آنان در بین مردم است. انتقاد به نفوذ بیگانگان به‌ویژه آمریکا در سیاست ایران، موضوع دیگری است که در داستان "سوترا" بیان می‌شود:

«کردها گفته خوبی دارند، می‌گویند: از پل نامردان رد نشو، بگذار آب تو را ببرد؛ زیر سایه روباه نخواب، بگذار شیر تو را بدرد. هر چند او که ما را درید، شیر نبود، عروسک خیمه‌شب‌بازی بود» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۴۳).

جمله اخیر می‌تواند اشاره به سران دولت باشد که دست‌نشانده بیگانگان بودند و مانند عروسک خیمه‌شب‌بازی به دست آن‌ها هدایت می‌شدند. بیان جنبه‌های تلخ و دردناک زندگی مردم از ویژگی‌های رئالیسم به شمار می‌رود (پاینده، ۱۳۸۹: ج ۱: ۱۷۶). این ویژگی در مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" علاوه بر فقر و پیامدهای آن، که در بخش مسائل اقتصادی بدان خواهیم پرداخت، در قالب مسائلی نظیر طلاق، مرگ، معلولیت، بیماری و زلزله نمود پیدا می‌کند. در داستان "تبله شکسته"، خورنگ - راوی داستان - برادری دارد که سال زلزله پایش زیر آوار مانده و حالا می‌لنگد. این دو نوجوان، پدر و مادر و برخی اقوام خود را نیز در این زلزله از دست داده‌اند. بیماری لاعلاج پسر خانم باستان‌شناس و سپس مرگش از دیگر جنبه‌های تلخ زندگی است که در داستان "تبله شکسته" دیده

می‌شود. هم‌چنین می‌توان به بیماری مزمن کوکب‌سلطان در "به کی سلام کنم؟" و نقص عضو احمد و عقیق بودن عزیزالله خان در "چشم خفته" اشاره کرد. درون‌مایه اصلی داستان "درد، همه جا هست" مرگ و بیماری است که در سراسر اثر از نگاه کودکی روایت می‌شود. «گویی در جامعه شقاوت‌زده، حقیقت فقط در برابر چشمان بی‌گناه کودکان که از فساد و نومیدی به دور مانده‌اند، تجلی می‌یابد و امید به بازسازی دنیایی که در حال فروپاشی است، تنها در وجود کودکان نهفته است.... غم غربت کودکان، بهانه‌ای برای منزّه کردن عرصه جهان و بازگشت به مناسبات اصیل انسانی است» (میرعابدینی، ۱۳۷۷، ج ۲ و ۱: ۳۱۰ - ۳۷۹).

مسئله اجتماعی دیگر که به آن توجه شده، توجه به معضل طلاق است که در داستان‌های "تصادف"، "چشم خفته" و "انیس" شاهد آن هستیم. در آثار رئالیسم سوسیالیستی شخصیت‌ها از وضعیت حاضر ناراضی و درصدد تغییر و رهایی از آن هستند، اما در رئالیسم بورژوا شخصیت‌ها دل‌بسته وضع موجودند و خواهان رهایی از این وضعیت و تغییر آن نیستند (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۹۸). نمونه این امر در "تیله شکسته" در رفتار خورنگ قابل مشاهده است؛ با وجود این‌که خانم تمام شرایط را برای رفتن او به تهران و پیشرفت او فراهم می‌آورد او سرانجام به زندگی در روستا، هر چند با امکانات کم، تن می‌دهد. در چنین شرایطی است که زندگی انسانی گاه تا حد حیوانی تنزل می‌یابد و انسان‌ها در کنار حیوان‌ها مطرح می‌شوند (پرهام، ۱۳۳۴: ۵۱). داستان "سوترا" با به تصویر کشیدن زندگی ناخدا عبدل و مادرش در فقر و فلاکت و هم‌زیستی آن‌ها با میمونی، این واقعیت را بیان می‌کند. از ویژگی‌هایی دیگر رئالیسم - خصوصاً از نوع بورژوا- توجه به خشونت و نموده‌های آن در جامعه است (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۱۳۵). در داستان "تیله شکسته" نزاع روستاییان بر سر آب، منجر به کشته شدن عیسی می‌شود. در "به کی سلام کنم؟" این خشونت را در رابطه داماد کوکب‌سلطان با همسر و فرزندش و در داستان "انیس" در درگیری برادر و برادرشوهر انیس می‌توان دید. فساد اخلاقی یکی دیگر از ویژگی‌های آثار رئالیستی است که در رفتار دکتر بیدختی در "مار و مرد" و گل‌عنبر در "یک سر و یک بالین" و... آشکار می‌شود، گاه نیز این فساد را در رفتار نظامیان عالی‌رتبه‌ای چون جناب سرهنگ داستان "تصادف" می‌توان دید. به تصویر کشیدن استثمار از ویژگی‌های رئالیسم انتقادی و سوسیالیستی است. در داستان "تیله شکسته"، باستان‌شناسان نماد استعمار و استثمارند در برابر کودکانی که با تمام توان برای آنان کار می‌کنند و سختی‌ها و ناامنی‌های محیط کار را در مقابل مزدی اندک به جان می‌خرند. این مسئله در "چشم خفته" در قالب

زندگی اقدس و پسرش که خدمتکار آمریکایی‌هاست، نمود می‌یابد. از دیگر پیامدهای فقر، اعتیاد است که علاوه بر معنای ظاهری آن، گاه می‌تواند نماد گریز از وضعیت موجود و پناه بردن به غفلت و فراموشی و بی‌خبری باشد؛ به‌عنوان نمونه اعتیاد کوکب‌سلطان به تریاک در "به کی سلام کنم؟"، اعتیاد عزیزالله خان در "چشم خفته" و اعتیاد انیس در داستانی با همین نام. نمونه‌تن‌فروشی با معنای نمادین آن - تسلیم در برابر استعمارگران - در داستان "سوترا" دیده می‌شود. ناخدا عبدل برای خریدن لنجی حاضر می‌شود زن و دخترش را در اختیار بیگانگان قرار دهد (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۴۰ - ۲۳۹).

ب. ۱. ۲) مسائل اقتصادی

توجه به فقر و پیامدهای آن از دیگر ویژگی‌های رئالیسم است (پاینده، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۹) پرداختن به این موضوع نه تنها در مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" بلکه در غالب آثار دانشور دیده می‌شود. او خود می‌گوید: «من، هم ثروت را تجربه کرده‌ام هم فقر را؛ می‌دانم اولی با چه سهولتی می‌تواند آدم را فاسد کند و دومی چه وحشت‌زاست؛ می‌دانم چه آسان فقر سرچشمهٔ نبوغ را خشک می‌کند و جسم یا جان، هر دو را چنان می‌کاهد که دیگر آدم خودش را نشناسد» (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۵۸) دانشور در به تصویر کشیدن فقر و اختلاف طبقاتی در داستان‌هایش از تجربه‌ها و دیده‌های خود بهره می‌گیرد؛ این ویژگی از مؤلفه‌های رئالیسم به شمار می‌رود و موجب تقویت واقع‌گرایی اثر و تأثیر بیشتر آن بر خواننده می‌شود. در مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" نویسنده غالباً با ارائهٔ تصاویر واقع‌گرا به ترسیم فقر می‌پردازد و می‌کوشد از بیان مستقیم، رماتیک و احساساتی بپرهیزد. در داستان "تبلهٔ شکسته" از زبان خورنگ می‌خوانیم:

«کت کشفام خیلی تنگ شده بود، سوراخ‌سوراخ شده بود، دانه‌هایش جا به جا در رفته بود و هر چه نه تاج‌ماه می‌دوختش فایده نداشت، یک جای دیگرش در می‌رفت» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۸).

در داستان "به کی سلام کنم؟" فقر را در زندگی پیرزنی تنها و بیمار با نام کوکب‌سلطان می‌بینیم. در "یک سر و یک بالین" راوی، زندگی فقیرانهٔ خانوادهٔ همسرش را چنین توصیف می‌کند:

«حتی یک بادیه نداشتند تویش آب بخورند، همه‌شان لب می‌گذاشتند سر کوزه. یک اتاق داشتند تو خیابان خراسان، وسطش پرده کشیده بودند؛ این طرف پرده ما بودیم، طرف دیگرش مادرش و دو تا خواهرهایش» (همان: ۱۹۹).

"کید الخائنین" نیز داستان دیگری است که زندگی پرمشقت خانواده حاج عبدالله را پس از دستگیری او به تصویر می‌کشد. پیامدهای فقر اقتصادی و فرهنگی در قالب معضلات اجتماعی مانند اعتیاد، تن‌فروشی و تن دادن به کارهای سخت با درآمد ناچیز، نمود پیدا می‌کند که در بخش سیاسی-اجتماعی بدان‌ها پرداخته شد.

"فرای" معتقد است که داستان واقع‌گرا «گذر از حکومت ثروت‌مندان به جوامع کارگری» است (مارتین، ۱۳۸۶: ۲۴) از این‌رو توجه به تضاد طبقاتی از دیگر ویژگی‌های آثار رئالیستی خصوصاً رئالیسم سوسیالیستی و بورژواست (ساجکوف، ۱۳۶۲: ۲۱۹) در دهه پنجاه، میزان تولید ناخالص ملی در ایران افزایش یافت، «اما از این رشد، همه مردم بهره‌ای یکسان نبردند. طبقات ثروت‌مند بیشتر از طبقات متوسط و پایین و مناطق مرکزی بیشتر از استان‌های پیرامونی از این رشد سود بردند. چنین توزیع نامناسبی باعث شده بود تا ایران در ردیف کشورهای با بیشترین میزان نابرابری در جهان قرار بگیرد» (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۵۱).

جامعه‌ای که در مجموعه داستان "بی کی سلام کنم؟" با نمادهایی چون روستا، اتوبوس، باغ و شهر به تصویر کشیده می‌شود و در برگیرنده این معضل اجتماعی - اقتصادی است. دانشور در داستان "به کی سلام کنم؟" اختلاف طبقاتی را در صحنه قصابی و با نمایش تفاوت گوشت خریدن کوکب سلطان با خانم پنی‌پور نشان می‌دهد. در داستان "چشم خفته" شاهد چشم و هم‌چشمی احمد و خانواده‌اش - از طبقه پایین - با نوه صدیق‌الدوله هستیم. در داستان "مار و مرد" نسرین از طبقه مرفه جامعه است؛ او در اتوبوسی که به مشهد می‌رود، شاهد این اختلاف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و خود را در بین مردم طبقه پایین، وصله ناجوری می‌بیند. در داستان "سوترا" از زبان راوی می‌خوانیم:

«در بان مهمان‌خانه می‌آمد و ته‌مانده‌های مهمان‌ها را در یک جعبه سبز رنگ خالی می‌کرد؛ زن و مرد هجوم می‌آوردیم و دعوایمان می‌شد و نزدیک بود زیر دست و پا له بشوم، اما زبل بودم و میان آشغال‌ها چند تکه ران یا یک ران جوجه یا دو تا موز گیر می‌آوردم» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۴۵).

دانشور در نامه‌ای به جلال آل احمد می‌نویسد در سفر خود به آمریکا نیز شاهد چنین صحنه‌ای بوده است (جعفری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۸۵).

نگاه انتقادی به مشکلات اقتصادی جامعه از دیگر ویژگی‌های داستان‌های رئالیستی است که در مجموعه مورد نظر در قالب مسائلی نظیر: گرانی، تورم، بی‌ثباتی اوضاع اقتصادی و حرکت از سرمایه‌گذاری در امور تولیدی و خدماتی به سمت سرمایه‌گذاری

احتکار و غیرتولیدی در دو داستان "به کی سلام کنم؟" و "چشم خفته" دیده می‌شود: «این زمین‌ها یک ساله از متری چهل تومان می‌شود متری چهارصد تومان. می‌گفتند شب خوابیدی صبح که پا می‌شوی کلی رفته رو قیمت همه چیز از جمله زمین» (دانشور، ۱۳۸۰: ۱۴) «گوشت و تخم مرغ و مرغ و پیاز هم نیست، همه این‌ها یکهو یک لقمه شده سگ خورده» (همان: ۱۵).

الف. ۱. ۳) مسائل فرهنگی

پرداختن به مسائل جامعه معاصر در آثار رئالیستی گاه در قالب توجه به مسائل فرهنگی دیده می‌شود. از مؤلفه‌های رئالیستی قابل توجه در آثار دهه پنجاه، پرداختن به تأثیرپذیری از غرب در زمینه‌های گوناگون از جمله در حوزه مسائل فرهنگی است. هم‌چنان که در مورد دانشور گفته‌اند در سیر تحول و زندگی و افکار این بانوی نویسنده، نوعی تعادل دیده می‌شود. این خصوصیت در روحیه و منش او نیز نمود یافته است. دل‌بستگی به فرهنگ و سنت‌های بومی برای دانشور که از دوران نوجوانی با فرهنگ غربی آشنایی یافته و بعدها با جریان‌های فکری و ادبی جهان از نزدیک پیوند داشته است، امتیازی است که در هم‌گنان او دیده نمی‌شود (جعفری، ۱۳۸۶: ج ۱: ۲۴) البته نباید تأثیر جلال آل احمد را در این مسئله از نظر دور داشت، چرا که اکثر نویسندگانی که به دیدگاه آل احمد نزدیک بودند انتقاد به جنبه‌های تباه‌کننده غرب‌زدگی و مصرف‌گرایی را در آثارشان می‌توان دید.

در مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" نمود منفی تأثیرپذیری از غرب از لحاظ فرهنگی دیده می‌شود. در داستان "تیلۀ شکسته" باستان‌شناسان به‌عنوان نمادی از استعمار، روستاییان را تحت سلطه خود درمی‌آورند. در این داستان نسخه‌های خطی، شاهنامه، عتیقه‌جات، تیله‌های شکسته و گنجی که باستان‌شناسان به دنبال آن هستند، نمادی از فرهنگ و هویت ایرانیان‌اند که به تاراج استعمارگران (گروه حفاری) می‌روند. ناآگاهی از ارزش این آثار، ریشه در ناآگاهی از گذشته ایران و هویت و فرهنگ و تاریخ این کشور دارد که موجب می‌گردد آثار باستانی با کمترین قیمتی در برابر بیگانگان به حراج گذاشته شوند. فروختن موی زنان روستا برای ساختن کلاه‌گیس نیز نمادی از به غارت رفتن ناموس زنان ایرانی است.

در این داستان، خانم، پیرزنی است "شبهه فرهنگی‌ها" که از شهر آمده است. او با دیدن خورنگ - نوجوان راوی داستان - تصمیم می‌گیرد او را به نزد خود ببرد. او از خورنگ

می‌خواهد که لباس‌های کهنه خود را دور بیندازد و لباس‌های نو را که او برایش خریده، به تن کند. خورنگ با پوشیدن لباس‌های تازه، حساسیت خود را نسبت به پاره‌ای از اعتقادات مذهبی‌اش از دست می‌دهد. کفشی که خانم برای خورنگ می‌خرد، برای او تنگ است و سرانجام پابرنه‌بودن را به پوشیدن آن ترجیح می‌دهد. در پایان داستان، خورنگ لباس‌های نو خود را درمی‌آورد و از رفتن با خانم منصرف می‌شود. در این داستان لباس‌های کهنه خورنگ نمادی از سنت‌ها و لباس‌های نو، نمادی از تجدد و مظاهر زندگی غربی است. انتقاد دانشور به غرب‌زدگانی است که به جای پالایش سنت‌ها و تلفیق بین سنت و مدرنیسم، یک باره خواسته‌اند با ترک سنت‌ها تنها به مدرن کردن ظواهر زندگی بپردازند. پایان داستان "تیلۀ شکسته" بیان‌گر آن است که ایرانی، در نهایت ناچار به بازگشت به سنت‌ها و ایجاد رابطه‌ای منطقی میان سنت و مدرنیسم است.

در داستان "تصادف" از مجموعه "به کی سلام کنم؟"، نقش فرهنگ مصرف‌زدگی را در فساد زنان می‌توان دید. همسر راوی داستان که از اهواز به تهران آمده، نام خود را از نادره به نادیا تغییر می‌دهد و با دیدن رانندگی زن همسایه، تقاضای خرید ماشین و پالتو پوست می‌کند. با خریدن اتومبیل، پوشش و رفتار و طرز سخن گفتن او نیز به تدریج تغییر می‌کند. در پایان داستان زن با گفتن این جمله که «من ضد دوام و بقای زندگی زناشویی هستم» از همسرش طلاق می‌گیرد و با جناب سرهنگی که از پیش با او آشنا شده، ازدواج می‌کند. در این داستان نیز بدون ایجاد زمینه‌های فرهنگی، تنها ظواهر زندگی تحت تأثیر فرهنگ غربی تغییر کرده است، از این‌رو موجب تضعیف بنیان‌های فرهنگی مانند مقدس بودن کانون خانواده در شرق شده است. راوی داستان چند بار به این نکته اشاره می‌کند که طرز سخن گفتن همسرش مانند مجری یا دوبلور تلویزیون است. این موضوع در کنار تبلیغ پستی و تیغ خودتراش در سینما، پیش از نمایش فیلم، تأثیرپذیری از رسانه‌ها و اهرم‌های تبلیغاتی غرب را از طریق سینما و تلویزیون نشان می‌دهد. پستی نمادی از جامعه سرمایه‌داری و تیغ خودتراش نماد مظاهر زندگی غربی است. در داستان "به کی سلام کنم؟" خانم مدیر به قندرون^۱ جویدن بچه‌ها اعتراض می‌کند و آن را "ادای آمریکایی‌ها" می‌داند. این موضوع نیز می‌تواند بیان‌گر واکنش قشر فرهنگی جامعه علیه جریان غرب‌زدگی باشد. در "کید الخائنین" نیز می‌بینیم که سرهنگ و همسرش از داروهای خارجی استفاده می‌کنند. این تأثیرپذیری از غرب، گاه منجر به تحقیر ایرانیان و فرهنگ آنان می‌شود. شخصیت داستان "چشم خفته" عقاید باربارا خانم را این‌گونه بیان می‌کند:

«اهل همه جای دنیا با جفت‌های ایرانی معاشرت نمی‌کنند. می‌گویند ایرانی‌ها وحشی و

کثیف و دروغ‌گوهستند» (دانشور، ۱۳۸۰: ۹۱).

پرداختن به باورهای عامیانه که از جهل و خرافات نشأت می‌گیرد و هیچ توجیه منطقی ندارد، از دیگر ویژگی‌های آثار رئالیستی است (پاینده، ۱۳۸۹، ج ۱: ۵۱۳) در مجموعه مورد بررسی، در داستان "به کی سلام کنم؟" از آن جا که راوی، پیرزنی از طبقه پایین جامعه است، این باورها را بیشتر می‌توان دید:

«نماز رسوایی را باید پشت بام بخوانند و باید آفتاب زده باشد، بعدش هم باید یزید و معاویه را لعنت بکند» (دانشور، ۱۳۸۰: ۷۳).

در این داستان موارد دیگری نظیر این که خارش قلب مادر در ماه نهم بارداری نشانه مو آوردن بچه است نیز دیده می‌شود.

در داستان "مار و مرد" مانند "به کی سلام کنم؟" این عقاید را از زبان شخصیت‌های زن داستان می‌شنویم؛ مواردی چون: «آدم عزب را زمین لعنت می‌کند»، «آدم‌های بی‌بچه چشمشان شور است» و «خوردن آبجو باعث پسرزایی است». در این داستان، زن کولی از طالع‌بینی، دیدن اژدها و درمان نازایی از طریق شیوه‌های خرافی سخن می‌گوید. توجه به طلسم و جادو از دیگر باورهای عامیانه است که به‌ویژه در رئالیسم جادویی جایگاه خاصی دارد. در داستان "تبله شکسته" مردم روستا اعتقاد دارند که باستان‌شناسان با کندن زمین به گهواره‌ای سنگی می‌رسند که رویش اژدها خوابیده است. هم‌چنین روی کاسه بشقاب‌هایی که از حفاری‌ها به دست می‌آورند، نقش طلسم دیده می‌شود. در داستان "یک سر و یک بالین" به شخصیت اصلی، یک نعل برای باطل کردن طلسم داده می‌شود.

در داستان‌های رئالیستی به‌ویژه رئالیسم جادویی، بازتاب رؤیایها، افسانه‌ها و قصه‌های پریان را می‌توان دید (پورنامداریان و سیدان، ۱۳۸۸: ۴۸) در مجموعه داستان مورد نظر، نمونه بارز این ویژگی در داستان "سوترا" دیده می‌شود:

«دلم شور می‌افتد و فکر می‌کنم افسار دست اجنه دریا افتاده. این مرض زار که می‌گویند من گرفته‌ام باید جنی از اجنه دریا باشد» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۴۴).

«دست پیش بردم و گیسوی پری دریا را گرفتم. یک دسته از موهایش در دستم ماند. اگر پری دریا وجود نداشت، پس چرا به ساحل که افتادم، یک دسته موی سیاه دستم بود؟ پری دریا دستم را گرفت و مرا با خود برد...» (همان: ۲۴۸).

در داستان "مار و مرد" نسرین افسانه‌ای را از قول مادرش نقل می‌کند:

«وقتی بچه بودم، مادرم قصه‌ای برایم می‌گفت، می‌گفت: زنی موهایش می‌ریخته، بهش می‌گویند روغن مار به موهایش بمالد. مرتب از این روغن به موهایش می‌مالیده و موها

رشد می‌کنند و شبیه دو تا مار سیاه می‌شوند و دور گردنش می‌پیچند و خفه‌اش می‌کنند» (همان: ۱۳۸).

الف. ۱. ۴) بازتاب زندگی شخصی نویسنده

در داستان‌های رئالیستی بازتاب تجربه‌ها و دیده‌های نویسنده را می‌توان دید؛ این تجربه‌ها گاه برخاسته از زندگی شخصی نویسنده است. در اکثر داستان‌های "به کی سلام کنم؟" مادرانی را می‌بینیم که یا صاحب فرزند نمی‌شوند یا به دلیلی از فرزند خود جدا شده‌اند یا فرزند خود را از دست داده‌اند. این موضوع در داستان‌های "تیلۀ شکسته"، "چشم خفته"، "مار و مرد"، "کید الخائنین"، "به کی سلام کنم؟" و "یک سر و بالین" دیده می‌شود. گستردگی این مضمون در مجموعه داستان مورد نظر می‌تواند ریشه در بی‌فرزندی نویسنده داشته باشد.

در این میان، داستان "مار و مرد" با زندگی نویسنده شباهت بیشتری دارد. نسرین و همسرش انوری پور صاحب فرزند نمی‌شوند و برای بچه‌دار شدن راه‌های مختلفی را امتحان می‌کنند. در داستان "چشم خفته" عزیزالله خان و همسرش به دلیل این‌که عزیزالله خان بچه‌دار نمی‌شود، دختری را به فرزند می‌پذیرند. جلال آل احمد و سیمین دانشور نیز به دلیل مشکل جلال، در برهه‌ای از زندگی مشترک خود تصمیم می‌گیرند نوزادی را به فرزند می‌پذیرند که البته این تصمیم عملی نمی‌شود (آل احمد، ۱۳۸۵: ۲۲-۱۸) از طرفی در داستان "مار و مرد" شخصیت انوری پور شخصیت جلال آل احمد را در دوره‌ای از زندگی به ذهن متبادر می‌کند؛ ضعف جسمانی، ضعف در عقاید مذهبی و علاقه به حیوانات نمونه‌هایی از این شباهت‌هاست. در داستان می‌خوانیم که مادر انوری پور از آن‌جا که می‌داند پسرش «امام رضا رفتنی» نیست از عروسش - نسرین - می‌خواهد که به زیارت امام رضا برود و حاجت بطلبد (دانشور، ۱۳۸۰: ۱۱۲) در نامه‌های سیمین به جلال آل احمد در سفر آمریکای او می‌خوانیم:

«چطور است از این‌جا به کربلا بروم زیارتی بکنم. ها؟ تو که عقیده نداری! مرا باش از چه کسی سؤال می‌کنم» (جعفری، ۱۳۸۶: ج ۱: ۲۲۶۹).

ب. ۲) فرم

در بررسی فرم مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" از دیدگاه رئالیستی، صحنه‌پردازی، شخصیت‌پردازی و زبان، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

ب. ۲. ۱) صحنه‌پردازی

مهم‌ترین مسئله‌ای که در صحنه‌پردازی داستان‌های رئالیستی به آن توجه می‌شود، استفاده از تصاویر دیداری و بساواپی و نمای درشت (close up) در توصیف صحنه‌ها اعم از اجتماع یا محل سکونت شخصیت‌هاست (لاج و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۹). استفاده از تصاویر دیداری، واقع‌نمایی داستان را تقویت می‌کند، چرا که این امکان را به خواننده می‌دهد که مکان‌ها را بهتر در ذهن تصور کند. در اکثر داستان‌های مجموعه مورد بررسی این ویژگی دیده می‌شود؛ برای نمونه در داستان "مار و مرد" صحنهٔ خارج از اتوبوس از نگاه نسرین این‌گونه توصیف می‌شود:

«از پشت شیشهٔ اتوبوس می‌دید که سه تا مرد می‌دویدند و گونی‌های سنگین روی دوششان بود. کنار اتوبوس ایستادند و گونی‌ها را زمین گذاشتند. یکی از گونی‌ها یله شد و سه تا هندوانه در جاده قل خورد و راه افتاد» (دانشور، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

در این داستان فضای باغ نیز با دقت و کاملاً موشکافانه توصیف شده است. در داستان "تیلۀ شکسته" از زبان راوی می‌شنویم که چگونه ننه تاج‌ماه از زلزله می‌گوید:

«چطور زمین تکان‌تکان خورده و ترک برداشته و تیر سقف که اریب افتاده و مرا که عرم به دنیا بوده، پناه داده و برادرم که خودش را حائل من کرده بود، پایش زیر آوار مانده، بس که برایم گفته بود، خیال می‌کردم خودم یادم است» (همان: ۱۴-۱۳).

زلزله‌ای که سرآغاز تمام سختی‌هایی است که بعدها راوی و برادرش متحمل می‌شوند.

ب. ۲. ۲) شخصیت‌پردازی

شخصیت‌های داستان‌های رئالیستی، شخصیت‌هایی واقعی هستند که در فضایی واقعی نفس می‌کشند. غالب آن‌ها خاکستری و از طبقات فرودست جامعه‌اند و نمونه‌ای برای نظایر خود؛ زیرا ذهن، همواره هر چیزی را به همان سیاقی درمی‌آورد که برای او آشناست و از آن مفهومی مطلق می‌سازد (گلشیری، ۱۳۷۶: ۵۱). دانشور در مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" سعی ندارد تصویری مثبت یا منفی از شخصیت‌ها ارائه دهد، بلکه می‌کوشد چهرهٔ

واقعی آن‌ها را با تمام جنبه‌های مثبت و منفی، سختی‌ها و رنج‌ها و شادی‌هایشان به تصویر بکشد. از سوی دیگر در داستان کوتاه، به اندازهٔ رمان مجال برای شخصیت‌پردازی نیست و باید توصیفات کاملاً حساب شده باشند (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۱۶). از این‌رو دانشور در "به کی سلام کنم؟" از توصیف لباس و ظاهر شخصیت‌ها و طرز بیان و لحن آن‌ها بیشترین استفاده را در معرفی شخصیت‌ها می‌کند. از شیوه‌های رایج در شخصیت‌پردازی داستان‌های رئالیستی، بهره گرفتن از تصاویر دیداری و بساوایی و استفاده از نمای درشت در توصیف شخصیت‌هاست (لاج و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۹) در تمام داستان‌های مجموعهٔ مورد نظر، نمونهٔ این‌گونه توصیفات را می‌توان دید؛ به عنوان مثال در معرفی محمدآقا در داستان "انیس" می‌خوانیم:

«مرد چاق بلندقدی با شلوار لی و پیراهن یقه‌باز گلدار از راه رسید... یک ساعت مُچی با صفحهٔ تیره و علامت‌های جور واجور قرمز رنگ به دست و یک زنجیر طلایی به گردن داشت. پشم‌های سینه‌اش پیدا بود و "الله" وسط زنجیر، درست روی دکمهٔ بسته‌شدهٔ پیراهنش افتاده بود» (دانشور، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

اغلب شخصیت‌های این مجموعه، نمایندهٔ تیپ‌های اجتماعی در دههٔ پنجاه هستند. برخی از این شخصیت‌ها برای رهایی از وضع موجود و رسیدن به وضع اجتماعی جدید در تلاشند. این ویژگی که نمود بارز آن را در رئالیسم انتقادی می‌توان دید (سیدحسینی، ۱۳۸۹: ج ۱: ۳۰۱) در شخصیت‌هایی چون روحانی داستان "کیدالخائین" و نادیا در داستان "تصادف" به چشم می‌خورد. از دیگر مؤلفه‌های داستان‌های رئالیستی که در شخصیت‌پردازی مورد توجه قرار می‌گیرد، توجه به یک عضو خاص یا فقدان عضوی خاص است (پاینده، ۱۳۸۹: ج ۱: ۱۸۰) که در داستان "تیلۀ شکسته" در قالب معلولیت برادر خورنگ و در داستان "چشم خفته" در مورد احمد نمود پیدا می‌کند. در برخی شخصیت‌های آثار رئالیستی از جمله در مجموعهٔ مورد بررسی، شاهد دگرذیسی ذهنی و پویایی شخصیت اصلی هستیم، به گونه‌ای که در پایان داستان، ذهنیت شخصیت مورد نظر، تغییر می‌کند. ناگفته پیداست که این تغییر نباید ناگهانی و بدون زمینه‌چینی باشد؛ هم‌چنان‌که در داستان "کیدالخائین" تحول سرهنگ با زمینه‌چینی و به‌صورتی منطقی و واقع‌نما صورت می‌گیرد.

ب. ۲. ۳) زبان

در داستان‌های رئالیستی، گفتار شخصیت‌ها بسیار عامیانه و مطابق با طبقه اجتماعی آن‌هاست (همان: ۴۶). این ویژگی در تک‌گویی‌های درونی کوکب‌سلطان در داستان "به کی سلام کنم؟" به خوبی نمود یافته است:

«بچه را بغل کردم و با دخترم رفتم به خانه اکبیرشان. زیر کرسی تمرگیده بود... گفتم: تو واقعاً مردی؟ نمی‌توانی خبر مرگت بروی بچه‌ات را از کودکستان بیاوری؟ پاشنه دهنم را کشیدم و هر چه از دهنم در آمد، گفتم» (دانشور، ۱۳۸۰: ۷۴).

در داستان "مار و مرد" زبان و لهجه و لحن زن کولی کاملاً متناسب با طبقه اجتماعی اوست:

«ای خاله طالع می‌بینم، خیلی هم ارزان، فال می‌گیرم. ای خاله تو زن ساده‌ای هستی، اما اولاد نمی‌کنی، تو را به خدا، تو را به ابوالفضل نیاز بده... شرطیانه... دوا می‌دهم اولاددارت می‌کنم» (همان: ۱۱۸).

در "انیس" گفتار محمدآقا و در "کیدالخانین" گفتار سرهنگ نیز مطابق با طبقه اجتماعی و شخصیت آن‌هاست. زبان و لحن سخن گفتن سرهنگ، شخصیت متکبر، مستبد و خشن او را به تصویر می‌کشد و طرز سخن گفتن محمدآقا، لابلالی‌گری و بی‌قیدی او را به نمایش می‌گذارد. همچنین در داستان "درد، همه جا هست" زبان کودکانه بردیا متناسب با سن و سال اوست. می‌توان گفت دانشور در استفاده از عنصر زبان برای معرفی شخصیت‌ها و تقویت جنبه واقع‌نمایی در داستان‌هایش موفق بوده است.

نتیجه

مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" از برجسته‌ترین آثار داستانی سیمین دانشور به شمار می‌رود و بسیاری از مؤلفه‌های رئالیسم در محتوا و فرم این اثر قابل بررسی است. در حوزه محتوا، دانشور در این مجموعه داستان به برخی مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دهه پنجاه پرداخته است. اشاره به مسائل سیاسی - اجتماعی با نگاهی انتقادی گاه به صورت مستقیم و گاه به صورتی غیرمستقیم و نمادین در این اثر دیده می‌شود. با توجه به استبداد و خفقان حاکم بر فضای ایران در دهه پنجاه، رئالیسم نمادین در "به کی سلام کنم؟" جایگاه خاصی دارد. مسائلی چون انتقاد به نفوذ بیگانگان خصوصاً آمریکا در سیاست ایران، رویارویی نظامیان با روحانیت، بیان جنبه‌های تلخ و دردناک

زندگی مردم، خشونت و نمودهای آن در جامعه، از آن دسته مسائل سیاسی- اجتماعی است که بازتاب آن را در این مجموعه می‌توان دید.

در کنار موارد یادشده دانشور به برخی مسائل اقتصادی مانند اختلاف طبقاتی، گرانی، تورم، بی‌ثباتی اوضاع اقتصادی، فقر و پیامدهای اجتماعی آن مانند اعتیاد نیز پرداخته است.

بازتاب مسائل فرهنگی در مجموعه داستان مورد نظر در قالب تأثیرپذیری از فرهنگ غربی، باورهای عامیانه و خرافی، قصه‌های پریان و طلسم و جادو دیده می‌شود.

هم‌چنین بازتاب برخی مسائل زندگی شخصی دانشور را در "به کی سلام کنم؟" می‌توان دید. در اکثر داستان‌های این مجموعه، مادرانی دیده می‌شوند که صاحب فرزند نمی‌شوند یا فرزند خود را از دست داده‌اند یا از او جدا مانده‌اند که می‌تواند بازتاب بی‌فرزندی سیمین دانشور و جلال آل‌احمد باشد.

از لحاظ فرم، تأثیر نگاه واقع‌گرای دانشور را در صحنه‌پردازی، شخصیت‌پردازی و زبان نیز می‌توان دید. در مجموعه داستان مورد نظر استفاده از تصاویر دیداری و بساواپی و نمای درشت در توصیف صحنه‌ها بسیار دیده می‌شود. شخصیت‌های داستان‌ها غالباً خاکستری و نماینده تیپ‌های اجتماعی در دهه پنجاه هستند. دگردیسی و تغییر شخصیت‌ها نیز غالباً به گونه‌ای منطقی و باورپذیر صورت می‌گیرد. هم‌چنین دانشور در استفاده از زبان عامیانه و متناسب با طبقه اجتماعی افراد موفق بوده است.

با توجه به آنچه گفته شد، مجموعه داستان "به کی سلام کنم؟" را می‌توان بازتاب زندگی جمعی و فردی ایرانیان در دهه پنجاه دانست.

پی‌نوشت

۱. آدامس.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۹). ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی. ج ۱۷. تهران: نی.
۲. آرن پور، یحیی. (۱۳۸۲). از صبا تا نیما (ج ۲). ج ۸. تهران: زوآر.
۳. آل احمد، جلال. (۱۳۸۵). سنگی بر گوری. تهران: خرم.
۴. ابراهیمی، نادر. (۱۳۷۷). ساختار و مبانی ادبیات داستانی. تهران: حوزه هنری.
۵. باطنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). فرهنگ معاصر انگلیسی فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
۶. پیرهام، سیروس. (۱۳۳۴). رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات. تهران: نیل.
۷. پاینده، حسین. (۱۳۸۹). داستان کوتاه در ایران (داستان‌های رئالیستی و ناتورالیستی). تهران: نیلوفر.
۸. جعفری، مسعود. (۱۳۸۶). نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد. کتاب اول. تهران: نیلوفر.
۹. دانشور، سیمین. (۱۳۸۰). به کی سلام کنم؟ ج ۵. تهران: خوارزمی.
۱۰. ساچکوف، بوریس. (۱۳۶۲). رئالیسم. ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران: تندر.
۱۱. سیانلو، محمدعلی. (۱۳۸۱). نویسندگان پیشرو ایران. ج ۶. تهران: نگاه.
۱۲. سیدحسینی، رضا. (۱۳۸۹). مکتب‌های ادبی (ج ۱). ج ۱۶. تهران: نگاه.
۱۳. گرانت، دیمیان. (۱۳۸۷). رئالیسم. ترجمه حسن افشار. ج ۵. تهران: مرکز.
۱۴. گلشیری، هوشنگ. (۱۳۷۶). جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور. تهران: نیلوفر.
۱۵. لاج، دیوید و [دیگران]. (۱۳۸۹). نظریه‌های رمان (از رئالیسم تا پسا مدرنیسم). ترجمه حسین پاینده. تهران: نیلوفر.
۱۶. مارتین، والاس. (۱۳۸۶). نظریه‌های روایت. ترجمه محمد شهبان. تهران: هرمس.
۱۷. ماکس، رافائل. (۱۳۵۷). نگاهی به تاریخ ادبیات جهان (تاریخ رئالیسم). ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران: شباهنگ.
۱۸. میرصادقی، جمال. (۱۳۸۰). عناصر داستان. ج ۴. تهران: سخن.
۱۹. _____ . (۱۳۸۲). داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران. ج ۲. تهران: اشاره.
۲۰. میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷). صد سال داستان‌نویسی در ایران. تهران: چشمه.

ب) مقاله‌ها

۲۱. پورنامداریان، تقی. سیدان، مریم. (بهار ۱۳۸۸). "بازتاب رئالیسم جادویی در داستان‌های غلام‌حسین ساعدی". در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. س ۱۷. ش ۶۴. صص ۶۴-۴۵.
۲۲. پویان، مجید. (۱۳۸۸). "بررسی جایگاه نظامیان در داستان‌های کوتاه دانشور". در فصل‌نامه علمی و پژوهشی کاوش‌نامه. س ۱۰. ش ۱۸. صص ۹۶-۷۱.
۲۳. تقوی، علی. (آذر ۱۳۸۹). "رئالیسم در ادبیات داستانی با نقدی بر داستان‌های جلال آل‌احمد". در کتاب ماه. ش ۴۴. صص ۲۲-۱۶.
۲۴. خاتمی، احمد. تقوی، علی. (۱۳۸۵). "مبانی و ساختار رئالیسم در ادبیات داستانی". در پژوهش زبان و ادبیات فارسی. ش ۶. صص ۱۱۱-۹۹.